

فرصت‌ها و تهدیدهای سیستم اعتبار اجتماعی با تأکید بر نامه ۵۳ نهج البلاغه

رضوان هامانی^۱، عذرا جعفری موحد^۲

^۱ دانشجوی دکتری فلسفه فیزیک، دانشگاه باقرالعلوم، قم

hamani@bou.ac.ir

^۲ دکتری تخصصی، مدیر امور پژوهش، جامعه الزهرا سلام الله علیها، قم

jafarimovahed97@gmail.com

چکیده

ظرفیت‌های ایجاد شده توسط سیستم اعتبار اجتماعی، حاکمیت‌ها را چنان مقهور خودساخته که فارغ از فرهنگ و عقاید و اهداف برخاسته از تمدن کمونیستی این فناوری، برای پیشرفت و کنترل جوامع خود آن را تجویز می‌کنند. باتوجه به اینکه حکومت اسلامی بر اساس مبانی خود در نگاه به خدا، انسان و جهان، باید علاوه بر رشد مادی و عدالت اجتماعی، به تعالی معنوی جامعه مسلمانان نیز توجه کند؛ از این رو یکی از فوریت‌های پژوهشی که در جهت اهداف تمدن‌ساز کشور مطرح است بررسی نسبت سیستم اعتبار اجتماعی با اصول و مبانی جامعه اسلامی و تعیین فرصت‌ها و تهدیدهای آن است تا پیش از هر اقدام اجرایی در جهت بهره‌وری از این سیستم بتوان حدود و ثغور استفاده از آن را متناسب با فرهنگ و مبانی اسلامی-ایرانی تبیین کرد. در این پژوهش با تأکید بر نامه ۵۳ امیرالمؤمنین علی علیه السلام خطاب به مالک اشتر، از یک سو با توجه به لزوم برپایی عدالت اجتماعی و اقتصادی در طبقات اجتماعی، خصوصاً طبقه محرومان و مستضعفان و همچنین نظارت بر عملکرد کارگزاران دولتی و از سوی دیگر باتوجه به تأکید ایشان بر ضرورت رازداری و تغافل حکومت در اشتباهات مردم و آثار اجتماعی همچون مرگ مطالبه‌گری و سلب حریم خصوصی و عدم اعتماد شهروندان نسبت به یکدیگر و عدم مقبولیت حکومت در درازمدت، بر جایگزینی و اسلامی‌سازی این سیستم با سیستم نظارتی امام و امت تأکید شده است.

کلمات کلیدی: اعتبارسنجی اجتماعی، امیرالمؤمنین، نهج البلاغه، عدالت، برابری، نظام ولایت.

۱ مقدمه

در عصر اطلاعات و فناوری، نوآوری‌های تکنولوژیک به سرعت در حال تغییر شیوه زندگی، تعاملات اجتماعی و ساختارهای حکومتی هستند. یکی از این نوآوری‌ها که در سال‌های اخیر به شدت مورد توجه قرار گرفته،

سیستم اعتبار اجتماعی است. این سیستم که ریشه در تمدن کمونیستی چین دارد، با هدف ایجاد یک جامعه نظارت‌پذیر و مدیریت‌شده، به سرعت در حال گسترش به سایر نقاط جهان است. سیستم اعتبار اجتماعی، با بهره‌گیری از داده‌های عظیم و الگوریتم‌های پیچیده، به ارزیابی رفتارهای اجتماعی افراد می‌پردازد و بر اساس آن، امتیازی به هر فرد اختصاص می‌دهد. این امتیاز می‌تواند بر دسترسی افراد به خدمات مختلف، فرصت‌های شغلی و حتی آزادی‌های فردی آن‌ها تأثیرگذار باشد. با توجه به گسترش روزافزون این سیستم و تأثیر آن بر زندگی افراد، بررسی ابعاد مختلف آن از جمله فرصت‌ها و تهدیدات آن، امری ضروری است. به‌ویژه در جوامع اسلامی که به ارزش‌های اخلاقی و دینی اهمیت فراوانی می‌دهند، تطبیق این سیستم با اصول و مبانی اسلامی، پرسشی است که ذهن بسیاری را به خود مشغول کرده است.

در این پژوهش، با تمرکز بر نامه ۵۳ نهج‌البلاغه، به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع اندیشه سیاسی و اجتماعی در اسلام، به بررسی فرصت‌ها و تهدیدات سیستم اعتبار اجتماعی پرداخته می‌شود. این نامه که از سوی امیرالمومنین علی علیه السلام خطاب به مالک اشتر نخعی نوشته شده است، حاوی اصول و مبانی مهمی در خصوص حکومت‌داری، عدالت، نظارت و حفظ کرامت انسانی است. با تطبیق این اصول بر ویژگی‌های سیستم اعتبار اجتماعی، می‌توان به درک عمیق‌تری از فرصت‌ها و چالش‌های ناشی از این سیستم دست یافت.

۲ بررسی سیستم اعتبار اجتماعی

اعتبار در مفهوم لغوی، با توجه به خاستگاه ریشه لغوی آن در معانی گوناگونی به کار برده می‌شود. کاربرد لفظ و مفهوم اعتبار در قالب اعتبار مدنی در هر کشور و دولتی بر اساس مبانی و قوانین همان کشور تعریف می‌گردد. در این فرایند اطلاعات شخصی افراد به وسیله نهاد مسئول، از سایر موسسات و نهادها گردآوری، نگهداری و محافظت می‌شود (بشیری و دیگران، ۱۴۰۱: ۴۷۲۶). از آنجا که امروزه صنعت اعتباری در جهان رو به پیشرفت، به صورت متداوم و روزانه تأثیر شگرفی در چرخه حکمرانی و نظام اجتماعی و اقتصاد جهانی دارد، سنجش آن اهمیت ویژه‌ای یافته است.

۱.۲ تعریف سیستم اعتبار اجتماعی

سیستم اعتبار اجتماعی، یک سیستم جامع است که بر اساس داده‌های جمع‌آوری شده از منابع مختلف، از جمله شبکه‌های اجتماعی، تراکنش‌های مالی، سوابق قضایی و حتی حسگرهای محیطی، به ارزیابی رفتارهای اجتماعی افراد می‌پردازد. این داده‌ها توسط الگوریتم‌های پیچیده پردازش شده و بر اساس معیارهایی از پیش تعیین‌شده، امتیازی به هر فرد اختصاص داده می‌شود. امتیاز افراد می‌تواند در بازه مشخصی قرار داشته باشد و بر اساس آن، به افراد مزایا یا محدودیت‌هایی تعلق می‌گیرد؛ مثلاً در حوزه‌های مختلفی مانند دسترسی به خدمات دولتی، تسهیلات اعتباری، فرصت‌های شغلی و حتی آزادی‌های فردی مورد استفاده قرار می‌گیرد. ریشه‌های سیستم اعتبار اجتماعی را می‌توان در تمدن‌های باستانی یافت که در آن‌ها به نوعی به ارزیابی شهروندان و تعیین جایگاه اجتماعی آن‌ها می‌پرداختند. اما شکل مدرن و گسترده این سیستم، بیشتر به

دهه‌های اخیر و پیشرفت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات بازمی‌گردد. چین به عنوان اولین کشور در جهان است که سیستم اعتبار اجتماعی را در مقیاس بزرگ پیاده‌سازی کرده است. این سیستم در چین با هدف ایجاد یک جامعه هماهنگ و نظم‌مند و مبارزه با فساد اداری راه‌اندازی شده است. با موفقیت چین در پیاده‌سازی سیستم اعتبار اجتماعی، بسیاری از کشورهای دیگر نیز به این سیستم علاقه‌مند شده‌اند. برخی از کشورها مانند روسیه، هند و ایالات متحده نیز در حال بررسی و توسعه سیستم‌های مشابهی هستند. با این حال، گسترش این سیستم در کشورهای مختلف با چالش‌ها و انتقاداتی نیز همراه بوده است.

۲.۲ فرصت‌های ایجاد شده توسط سیستم اعتبار اجتماعی

سیستم اعتبار اجتماعی، با وجود تمام انتقادات و نگرانی‌ها، ظرفیت فرصت‌های متنوعی را می‌تواند ایجاد کند. این سیستم با جمع‌آوری و تحلیل داده‌های گسترده، به شرط شفافیت در امتیاز دهی می‌تواند به شناسایی رفتارهای غیرقانونی و فساد کمک کند، سطح خطا در نظارت‌های مردم بر مسئولین و مسئولین بر مردم را کاهش دهد، با افزایش شفافیت در فعالیت‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی، به کاهش فساد در بخش‌های مختلف جامعه کمک کند. همچنین تسهیل خدمات‌رسانی در امور بانکی، اداری و دسترسی به خدمات عمومی با این سیستم در سطح قابل توجهی فراهم می‌شود.

توسعه اقتصاد دیجیتال و ایجاد اعتماد بین خریداران و فروشندگان در فضای مجازی توسط سیستم‌های پرداخت الکترونیکی مبتنی بر اعتبار اجتماعی می‌تواند به تسهیل تجارت الکترونیک و ایجاد بازارهای جدید کمک کند. با جمع‌آوری داده‌های مربوط به سبک زندگی افراد، می‌توان به شناسایی عوامل خطر بیماری‌ها و ارائه توصیه‌های بهداشتی شخصی‌سازی شده کمک کرد. همچنین، این سیستم می‌تواند به تشویق افراد به داشتن سبک زندگی سالم کمک کند. با این حال، برای بهره‌برداری از این فرصت‌ها، باید به طور دقیق به طراحی و اجرای این سیستم پرداخت و تهدیدات جدی آن را مدنظر داشت.

۳.۲ تهدیدات ناشی از سیستم اعتبارسنجی

یکی از مهم‌ترین تهدیدات سیستم اعتبار اجتماعی، نقض حریم خصوصی افراد است. این سیستم با جمع‌آوری داده‌های گسترده از زندگی افراد، از جمله داده‌های شخصی، مالی، رفتاری و حتی بیومتریک، حریم خصوصی آن‌ها را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد و همچنین می‌تواند منجر به کاهش اعتماد اجتماعی شود. زمانی که افراد احساس کنند رفتارهای آن‌ها به صورت مداوم تحت نظارت است و امتیاز آن‌ها بر اساس این نظارت تعیین می‌شود، ممکن است به جای همکاری با یکدیگر، به رقابت با یکدیگر بپردازند. همچنین، می‌تواند به ایجاد جوّی از ترس و بدبینی در جامعه منجر شود و باعث گسترش برخی رذایل اخلاقی مانند قطع صلح، سخن‌چینی و جاسوسی فردی برای کسب امتیاز بیشتر، نفاق در عملکرد فردی و اجتماعی، از بین رفتن رحم و ایثار و ... بین مردم شود.

از بزرگ‌ترین نگرانی‌ها در مورد سیستم اعتبار اجتماعی، این است که این سیستم می‌تواند به ابزاری برای کنترل اجتماعی تبدیل شود. دولت‌ها می‌توانند با دستکاری الگوریتم‌های این سیستم و تغییر معیارهای ارزیابی، به کنترل افکار و رفتارهای مردم بپردازند و در نهایت با امتیازها و کسر اعتبارها به شیوه‌های پیچیده

و دقیق، اختیار افراد را در انجام افعال کاهش دهند. با استفاده از این سیستم می‌توان به سانسور محتوا و فیلترینگ اطلاعات پرداخت و از این طریق افکار افراد جامعه را کنترل و هدایت کرد. همچنین با کاهش امتیاز افرادی که در اعتراضات شرکت می‌کنند، می‌توان از گسترش اعتراضات جلوگیری کرد و با دادن امتیاز بیشتر به افرادی که از ایدئولوژی حاکم حمایت می‌کنند، می‌توان به ترویج این ایدئولوژی کمک کرد. سیستم اعتبار اجتماعی می‌تواند به مرگ مطالبه‌گری و کاهش مشارکت سیاسی منجر شود. زمانی که افراد احساس کنند که هرگونه مخالفت با حکومت، به کاهش امتیاز آن‌ها و در نتیجه محدود شدن فرصت‌هایشان منجر می‌شود، ممکن است از طرح هرگونه انتقاد یا مطالبه خودداری کنند.

۴.۲ اهداف سیستم اعتبار اجتماعی در هر نظام

مهم‌ترین هدفی که از طریق سیستم‌های اعتبارسنجی دنبال می‌شود، برقراری عدالت و برابری اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در جامعه است. اما باید در نظر داشت که مفاهیم برابری و نابرابری اجتماعی از منظر فلسفه‌های سیاسی مختلف تعابیر متفاوتی دارند. در سنت محافظه‌کاری، تفاوت در توانایی و استعداد انسان‌ها طبعاً اجتناب‌ناپذیر است و نابرابری اجتماعی و اقتصادی پدیده‌ای طبیعی است. علاوه بر این، نابرابری اجتماعی لازمه انگیزش کار و تلاش فردی است و منجر به رشد و پیشرفت جامعه می‌شود. از نظر سیاسی، تلاش برای ایجاد برابری مصنوعی در جامعه، به استبداد می‌انجامد (بشیریه، ۱۳۹۰، ص ۱۸۰). چنانکه لاک معتقد است نظریه برابری اجتماعی سفسطه‌ای بیش نیست؛ زیرا برابری به معنای پایان ترقی است و برای هیچ‌کس سودمند نیست (همان، ص ۲۰۰). از طرفی در لیبرالیسم، آزادی را مفهومی مطلق در نظر می‌گیرند که تنها با قید «التزام به عدم نقض آزادی دیگران» قلمرو آزادی فردی را محدود می‌سازند و برابری قواعد عام حقوقی، تنها نوع برابری است که به آزادی رهنمون می‌شود. آزادی، نه‌تنها با دیگر انواع برابری مناسبتی ندارد، بلکه اگر بتواند، نابرابری را در جنبه‌های متعددی ایجاد و تقویت می‌کند (ساندل، ۱۳۷۴: ۱۳۳-۱۳۴). بر این اساس، چنین نظامات سیاسی بهره‌گیری از سیستم‌های اعتبارسنجی را بر نمی‌تابد و آن را با مبانی خود سازگار نمی‌داند.

این در حالی است که در مکتب کمونیستی، عدالت در مفهوم توزیعی آن مدنظر است در حالی که بیشتر دارایی‌ها و منابع اقتصادی در اختیار دولت و در کنترل آن است. نابرابری‌های اجتماعی، محصول نظام تولیدی و روابط مبتنی بر استثمار انسان از انسان استوار است و به لحاظ بنیان‌های ساختاری، اعم از اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به مرحله حذف کامل مالکیت خصوصی و استثمار طبقاتی رسیده است. طبقه مالک، به واسطه منابع اقتصادی، از قدرت کنترل توزیع ثروت در جامعه برخوردار است. قدرت عظیم اقتصادی طبقه مالک، این امکان را برایش فراهم می‌کند که کنترل سایر نهادهای اجتماعی را در اختیار گیرد و از اقتدار و نفوذ فراوانی در جامعه برخوردار شود. طبقه مالک، از قدرت اقتصادی سیاسی و فرهنگی در جهت پیشبرد منافع اجتماعی و حفاظت از اساس قدرتش استفاده می‌کند (سیدمن، ۱۳۸۶: ۴۴). در چنین نظام سیاسی، سیستم‌های اعتبارسنجی اجتماعی ابزاری کارآمد در جهت حفظ قدرت طبقه مالک و کنترل توزیع ثروت و سلطه بر جامعه است. در این جامعه دین عملاً منسوخ شده است. در حال حاضر جمهوری خلق

چین یکی از معدود دولت‌های سوسیالیستی دنیاست که آشکارا مدافع کمونیسم است و نخستین کشوری است که توانسته استفاده از این سیستم‌ها را به طور کامل در کشورش عملیاتی کند.

در مواجهه با ساختار نظارتی اغلب نظام‌های سیاسی، دوگانه حاکم و رعیت به چشم می‌خورد که این دوگانه منجر به تحقق غلبه حاکم مستبد و تمامیت‌خواه بر رعیت مستضعف است و ساختار قدرت با ویژگی‌هایی چون «اقتدارگرایی»، «شخص‌محوری» یا «طبقه‌محوری» و «ولایت مطلق و بی‌قید و بند» فرد یا گروهی همراه است (فیرحی، ۱۳۸۸: ۹) اما در اسلام و حکومت معصوم (ع) دو وجهی راعی-رعیت، معنا و ارزش متفاوتی پیدا کرده و به معنای اصلی خود، «امامت-امت»، رسیده است؛ این مفهوم در منش سیاسی و مدیریتی امام علی (ع) موج می‌زند. ایشان در عهدنامه مالک می‌نویسد:

«مبادا مانند یک جانور درنده که دریدن و خوردن را غنیمت می‌شمارد، با مردم رفتار کنی؛ زیرا مردم تحت فرمان تو، یا مسلمانند و برادر دینی تو و یا غیرمسلمانند و انسانی همانند تو» (سیدرضی، ۱۳۸۴: ۶۸۳).

لذا در مکتب اهل بیت، نوع خاصی از حکومت به نام «ولایت» پدید آمد که نظامی ضد استعماری و مخالف با سکولاریسم است. این نظام، برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه‌گری فردی یا گروهی نیست؛ بلکه تبلور آرمان سیاسی ملتی است که به خود سازمان می‌دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی، راه خود را به سوی هدف نهایی که حرکت به سوی خداست بگشاید. در چنین نظامی برقراری عدالت در همه ابعاد از اصولی‌ترین ارکان دین است و استفاده سنجیده و بهینه از سیستم‌های اعتبارسنجی مدنی که متناسب با قوانین و احکام اسلامی باشد، نقش موثری در تحقق این اهداف خواهد داشت. با توجه به اهمیت نامه ۵۳ نهج‌البلاغه در اصلاح جامعه و برقراری حاکمیتی ولایی، مقایسه اصول حاکم بر این عهدنامه با پیامدهای سیستم اعتبار اجتماعی می‌تواند زوایای مختلف بایسته‌ها و نبایسته‌های این ابزار حاکمیتی را روشن‌تر کند.

۳ بررسی نامه ۵۳ نهج‌البلاغه و اصول حاکم بر آن

نامه ۵۳ نهج‌البلاغه، خطاب به مالک اشتر، یکی از ارزشمندترین متون مدیریتی و اجتماعی در تاریخ اسلام است. در این نامه، امیرالمؤمنین علی (ع) به عنوان یک حاکم و سیاستمدار الهی، اصول و مبانی مهمی را برای اداره یک جامعه عادلانه و سعادت‌مند ارائه می‌دهند که مهم‌ترین آنها را می‌توان به چند دسته کلی تقسیم کرد:

• عدالت و برابری

امیرمومنان علی (ع) با تأکید بیشتر بر جنبه‌های اجتماعی عدل، عدالت را ملاک و میزان سیاست و مایه استواری آن می‌داند:

«ملاك السياسة العدل؛ معيار و ملاك سياست عدالت است» (خوانساری، ۱۳۶۰، جلد ۶: ۱۱۶).

به گفته جرج جرداق، پذیرش خلافت توسط حضرت نیز برای جلوگیری از به خطر افتادن عدالت اجتماعی بود (جرج جرداق، ۱۳۷۶، ص ۱۰۵)، زیرا که بر اساس مبانی اسلام، قدرت، ابزاری برای ثروت‌اندوزی و برتری‌طلبی نیست؛ بلکه امانتی الهی همسو با حق و عدالت است که سوء استفاده از

آن شقاوت در دنیا و آخرت را به دنبال دارد (جعفری تبریزی، ۱۳۷۳، ص ۷۲). افراد جامعه در عرصه زندگی اجتماعی، دارای حقوق مختلفی هستند و وظیفه حاکم اسلامی پاسداری از حقوق اجتماعی مردم و راهنمایی آنها در جهت اقامه عدل است:

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید/۲۵).

خارج شدن از حق در هر عرصه‌ای، مصداق بارز ظلم و ستمگری است لذا حاکم، کارگزاران حکومت و اقشار مختلف جامعه اسلامی مجاز به خروج از آن نیستند (سیدرضی، ۱۳۸۴، ص ۲۳۹).

• روابط اجتماعی رهبران بر محور وظیفه الهی و منافع عموم مردم

در نظام ولایی اسلام، مدیریت و تدبیر جامعه بر اساس وظیفه الهی به سمت احقاق حق و مصلحت عامه مردم پیش می‌رود (قنبری، ۱۳۹۹، ص ۱۰۳). امام علی (ع) بر اهمیت مردم و نقش آنها در اداره جامعه تأکید دارند، تا آنجا که سنجیدن عدالت زمامدار را بر اساس گفتار مردم و جلب خشنودی آنها می‌دانند:

«هیچ‌گاه خود را از مردم، بسیار پنهان مدار، که پنهان بودن رهبران، نمونه‌ای از تنگ‌خویی و کم‌اطلاعی از امور جامعه است. پنهان شدن از رعیت، زمامداران را از دانستن آنچه بر آنان پوشیده است، باز می‌دارد. پس کار بزرگ اندک، و کار اندک بزرگ جلوه می‌کند، زشت، زیبا می‌نماید و باطل به لباس حق درمی‌آید» (همان، ص ۵۸۷).

ایشان همچنین بر استحکام روابط حاکم و مردم با ایجاد فضای باز گفتمانی بدون حس ارباب و اضطراب تصریح می‌کنند:

«بخشی از وقت خود را به کسانی اختصاص بده که به تو نیاز دارند تا شخصاً به امور آنان رسیدگی کنی و در مجلس عمومی با آنان بنشین؛ و در برابر خدایی که تو را آفریده، فروتن باش؛ و سربازان و یاران و نگهبانان خود را از سر راهشان دور کن تا سخنگوی آنان بدون اضطراب در سخن گفتن با تو گفت‌وگو کند» (همان، ص ۵۸۵).

• نظارت دائمی بر مسئولان و پاسخگویی

امیرالمومنین علیه‌السلام در نامه خویش به مالک اشتر بر لزوم نظارت بر گزینش و نحوه عملکرد کارگزاران، امور اقتصادی مردم و مالیات گیرندگان و شیوه اخذ مالیات تأکید می‌کنند. چنانکه می‌فرماید:

«در امور کارمندان بیندیش و پس از آزمایش، به کارشان بگمار... اگر کسی دست به خیانت زد و گزارش جاسوسانت آن را تأیید کرد، اموالی را که در اختیار دارد از او پس بگیر و او را خوار بدار و خیانتکار بشمار» (همان، ص ۵۷۹).

درباره امور اقتصادی نیز تذکر می‌دهند که:

«در میان بازرگانان، کسانی هم هستند که تنگ نظر و بدمعامله و بخیل و احتکارکننده‌اند، پس، از احتکار کالا جلوگیری کن... کسی که پس از منع تو احتکار کند، او را کیفر ده تا عبرت دیگران شود» (همان، ص ۳۳۱).

و نیز درباره مالیات دستور می‌دهند که:

«برای گرفتن مالیات از مردم، لباس‌های تابستانی یا زمستانی و مرکب سواری و برده کاری را نفروشید؛ و برای گرفتن درهمی کسی را با تازیانه زنید و به مال کسی دست‌درازی نکنید.» (همان، نامه ۵۲، ص ۲۰۲)

نظارت دائمی بر مبنای انسان‌شناسی و جهان‌شناسی اسلامی، حکومت را قدرتمند کرده و از فساد آن جلوگیری می‌کند. مدیریت دقیق کارگزارانی که فقط با شایستگی خویش بر مسند امور نشسته‌اند، از طریق نشان دادن خط مشی، تامین مالی آنها، بازرسی آشکار و پنهان مستمر و حسابرسی کارگزاران، تشویق و تنبیه به موقع آنها و آموزش اصول حکومت‌داری الهی به زمامداران مانند مردم‌داری و مهرورزی، اهتمام به امور ضعفا محقق خواهد شد.

• حفظ کرامت انسانی

کرامت انسانی، یک اصل قرآنی است که در تمام امور فردی و اجتماعی باید مورد توجه قرار گیرد. امیرالمومنین علی علیه‌السلام اموری را که انجام یا ترک آنها، حاکم را در مسیر حفظ کرامت انسان‌ها یاری می‌کند را با دقیق‌ترین تعابیر مانند حسن ظن، رحمت و لطف به مردم و گذشت و چشم‌پوشی از خطاهای آن‌ها، پرهیز از عیب‌جویی و پرده‌داری، حفظ حریم خصوصی انسان‌ها، آزادی بیان، اصلاح نفس و پرهیز از خودپسندی و پیروی از شهوات بیان می‌کنند (سیدرضی، نامه ۵۳، ص ۴۰۷-۴۰۵، ۴۱۸-۴۱۶). اما در سیستم اعتبار اجتماعی کمونیستی، نه تنها موارد فوق برای حفظ کرامت انسانی انجام نمی‌شود بلکه حریم خصوصی و آزادی بیان به شدت محدود خواهد شد، چرا که زندگی انسان‌ها به شکل مستقیم و غیرمستقیم دائماً در حال گردآوری و تحلیل شدن است و رقابت شدید انسان‌ها در گرفتن امتیاز به جای تعامل با یکدیگر و با حکومت بر مبنای فضایل اخلاقی، سبب سوء ظن نسبت به یکدیگر و پرده‌داری خواهد شد.

• انتخاب کارگزاران شایسته و باتقوا

وظایف و مسئولیت‌های خطیری که بر عهده حاکم است ایجاب می‌کند مسلح به سلاح قدرتمندی به نام تقوای الهی باشد تا در حوزه سیاست با اندام‌واره دیدن جامعه بتواند رابطه با افراد جامعه را در مسیر الهی تنظیم کرده و آنها را در مسیر کمال رشد دهد (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳، ص ۴۰۳ و ۴۰۵) و به معنای واقعی، آنچه را برای خود می‌پسندد برای دیگران هم بیسندد (همان، خطبه ۳۲، ص ۵۷)؛ لذا حضرت، متقی بودن را شرطی مهم برای کارگزاران خود می‌داند (جعفری تبریزی، محمدتقی، پیشین، ۱۴۵). شایستگی افراد، تنها با مهارت شغلی ارتباط ندارد؛ بلکه با ویژگی‌های اخلاقی مرتبط با هر شغل و ایمان و سابقه خانوادگی آنان نیز مرتبط است:

«از میان مردم، برترین فرد خود را برای قضاوت انتخاب کن؛ کسانی که مراجعه فراوان، آنها را به ستوه نیاورد و برخورد مخالفان با یکدیگر، او را خشمناک نسازد، در اشتباهاتش پافشاری نکند و بازگشت به حق پس از آگاهی، برای او دشوار نباشد...» (همان، ص ۵۷۷).

• حفظ اموال عمومی

یکی از وظایف مهم زمامداران، تبیین سیاست‌های کلان اقتصادی و برنامه‌ریزی درست و راهبردی بر طبق سیاست‌ها در جهت افزایش قدرت اقتصادی مردم است؛ موضوعی که حضرت در نامه ۵۳ با دستور به حفظ اموال عمومی و جلوگیری از اختلاس و سوء استفاده از آنها، بر آن تأکید کرده‌اند. راهبردهایی که حضرت در این باره نشان داده‌اند عبارتند از:

- عدم سختگیری در ارزیابی میزان مالیات: حضرت این امر را سبب افزایش توان اقتصاد، ایجاد امنیت جهت سرمایه‌گذاری و اعتماد مردم در ابعاد مختلف اقتصادی و در نهایت افزایش سرمایه ملی و عمران و آبادانی شهرها می‌دانند (همان، ص ۳۳۱ و ۳۳۳).

- رسیدگی به تأمین معاش کارگزاران: حضرت برای جلوگیری از فساد اقتصادی و چشم دوختن کارگزاران به اموال مردم، راهبرد اصلاح وضع اقتصادی کارگزاران حکومتی را مطرح می‌کنند (همان).

• ضرورت رازداری

حفظ اسرار مردم و جلوگیری از افشای آن‌ها، از دیگر اصول مهمی است که در این نامه به آن اشاره شده است. حضرت به کارگزار خود صریحاً توصیه می‌کند که حاکم باید بتواند با پوشاندن عیوب پنهانی مردم و زدودن عیوب آشکارشان و با حسن ظن به آنان و زدودن سوء ظن آنان نسبت به حکومت، رحمت و محبت و لطف خود به مردم را بنمایاند و به آنها اعتماد کند:

«از رعیت، آنان را که عیب‌جو ترند از خود دور کن، زیرا مردم عیوبی دارند که رهبر امت در پنهان داشتن آن از همه سزاوارتر است، پس مبادا آنچه بر تو پنهان است آشکار گردانی، و آنچه که هویداست بیپوشانی، که داوری در آنچه از تو پنهان است با خدای جهان می‌باشد، پس چندان که می‌توانی زشتی‌ها را بیپوشان تا آن را که دوست داری بر رعیت پوشیده ماند خدا بر تو بیپوشاند» (سید رضی، ۱۳۸۴، نامه ۵۳).

آنچه در این بخش بیان شد تنها اهم مبانی ژرف عهدنامه امام با کارگزار خود، مالک اشتر است، که زیربنای حکومتی پایدار را به تصویر می‌کشد. بر این اساس لزوم توجه به ساختارهای نظام ولایت در استفاده از ابزارهای حاکمیتی نوین در پیشبرد جامعه‌ای تمدن‌ساز حائز اهمیت است.

۴ تطبیق سیستم اعتبار اجتماعی با اصول نامه ۵۳ نهج البلاغه

بر اساس آنچه بیان گردید، در نظام ولایت قانون حاکم است، آن هم نه قانون خودساخته و خیالپرداخته بشری، بلکه قوانین خداساخته و وحی پرداخته آسمانی نه زمینی، زیرا که نظام ولایت جدای از نظام آفرینش نیست و قوانین اجتماعی این نظام در امتداد و استمرار قوانین عالم هستی است، بر همین اساس نظام تشریع نمی‌تواند از نظام تکوین فاصله بگیرد (بهشتی، ۱۳۹۰، ۱۳۱). با توجه به ماهیت این نظام، در ایجاد نهادها و بنیادهای سیاسی که خود پایه تشکیل جامعه است باید صالحان عهده‌دار حکومت و اداره مملکت گردند - «ان الارض یرثها عبادی الصالحون» (انبیاء/۱۰۵) - و قانونگذاری که مبین ضابطه‌های مدیریت اجتماعی است بر مدار قرآن و سنت، جریان می‌یابد.

از آنجا که سیستم اعتبار اجتماعی دولت‌مردان را بیش از پیش بر جامعه مسلط خواهد کرد، چنانچه حکومت و کارگزاران آن متخلق به اخلاق الهی نباشند، می‌توانند با دستکاری الگوریتم‌های این سیستم و تغییر معیارهای ارزیابی، به کنترل افکار و رفتارهای مردم بپردازند و رفته رفته فرایند زیست بشری را از حالت طبیعی خارج کرده و تنوع سبک زندگی، فردیت و خلاقیت را از بین ببرند و اتوریته دولتی را بر افراد جامعه تحمیل کنند.

بر این اساس، نظارت دقیق و جدی هم بر مردم و هم دولت‌مردان از ناحیه اسلام‌شناسان عادل و پرهیزگار و متعهد امری ضروری است که استفاده صحیح از این سیستم، تسهیل‌گر آن خواهد بود. اما باید توجه داشت که هدف از حکومت اسلامی، رشد انسان در حرکت به سوی نظام الهی است - «و الی الله المصیر» (نور/۴۲) - تا زمینه بروز و شکوفایی استعدادها به منظور تجلی ابعاد خداگونگی انسان فراهم آید - «تخلقوا باخلاق الله» (الکافی، ج ۵۸: ۱۲۹) - و این جز در گرو انتخابی آزاد و بدون اجبار و اضطراب و تحمیل سیستم نظارت اجتماعی نمی‌تواند باشد.

سیستم اعتبار اجتماعی تا حد زیادی در راستای نیل به عدالت اجتماعی و اقتصادی و توزیع عادلانه خدمات دولتی، تسهیلات اعتباری، فرصت‌های شغلی و حتی آزادی‌های فردی مفید واقع خواهد شد به شرط اینکه سیستم اطلاعاتی شهروندان در دست ارگان‌هایی که صلاحیت لازم را برای تقسیم عادلانه ثروت و خدمت داشته باشند، قرار گیرد و این اطمینان وجود داشته باشد که اطلاعات شخصی افراد مورد سوء استفاده فرصت‌طلبان قرار نگیرد و کرامت انسانی خدشه‌دار نشود. علاوه بر این چنانچه بیان شد، در نظام ولایت شایستگی کارگزاران، تنها با مهارت شغلی ارتباط ندارد؛ بلکه با ویژگی‌های اخلاقی مرتبط با هر شغل و ایمان و سابقه خانوادگی آنان نیز مرتبط است، این در حالی است که در نظام‌های کمونیستی، شایستگی کارگزاران، صرفاً با مهارت شغلی آنها تعیین می‌شود که به نوبه خود سبب سوء استفاده آنها از قدرت خواهد شد.

امام در این عهدنامه بر نکته‌ای مهم اشاره می‌کند که در حیات امروز بشر و شکل‌گیری حکومت‌ها، اثرش از هر زمان آشکارتر است. ایشان می‌فرماید:

«بایستی محبوب‌ترین کارها نزد تو اموری باشد که در جهت رعایت حق از همه کامل‌تر و از نظر عدالت شامل‌تر و از نظر رضایت عمومی مردم جامع‌تر باشد» (سیدرضی، ۱۳۸۴).

از نظر امام مهم رضایت اکثریت قاطع مردم است نه اقلیتی ثروتمند و چیره‌گر. در ادامه این سخن می‌

فرماید:

«زیرا خشنودی مردم خشنودی خواص را بی‌اثر می‌سازد اما ناخشنودی خاصان با رضایت عامه مردم بخشوده و جبران پذیر است» (همان).

آنچه در این عبارات آمده در واقع زیربنای حکومت‌های پایدار را بیان می‌کند. این همان چیزی است که امروزه به دموکراسی مردمی یا مردم‌سالاری دینی از آن یاد می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹: ۱۰/۴۰۰). بر این اساس، سیستم اعتبارسنجی باید در راستای جلب رضایت عمومی و با مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع در روند تحول جامعه نقش مردم را در نظر داشته باشد. در حالیکه در سیستم اعتبار اجتماعی متکی بر مبانی کمونیستی، حریم خصوصی و آزادی بیان به شدت محدود خواهد شد؛ چرا که زندگی انسان‌ها به شکل مستقیم و غیرمستقیم دائماً در حال گردآوری و تحلیل شدن است و بخشش و تغافل وجود ندارد. رقابت شدید انسان‌ها در گرفتن امتیاز، به جای تعامل با یکدیگر و با حکومت بر مبنای فضایل اخلاقی، سبب سوء ظن نسبت به یکدیگر و پرده‌داری خواهد شد.

علاوه بر این در جامعه اسلامی که هدف آن نیل جامعه به اهداف الهی و تقویت تدبیر افراد برای رسیدن به سعادت اخروی است (KHAMENELI, ۳۰/۶/۱۳۹۶) و در ایدئولوژی که نیت و خواست انسان نقش اصلی را ایفاء می‌کند (مصباح، ۱۳۹۱: ۸۲)، اجرای عدالت به شرطی ارزشمند است که با اختیار مردم و در چارچوب اخلاق غایت‌گرا و به خواست خود فرد، با آگاهی از ارزش فی‌نفسه عدالت باشد و در این میان ضرورت رازداری و تغافل حکومت در اشتباهات مردم آثاری سازنده در جهت‌گیری در مسیر درست خواهد داشت. علاوه بر این، مبنای ارزش‌گذاری‌ها، بایستی بر اساس مکاتب واقع‌گرا و بر اساس غایت قرب الهی پایه‌ریزی شود. قطعاً معیارهای سنجش مبتنی بر اومانسیسم غربی و آتئیسم شرقی نمی‌تواند ملاک سنجش شایستگی زمامداران، کشاوران و کارمندان باشد. اشتباه در امتیاز دادن، عدم توجه به وضعیت خاص اقتصادی و فرهنگی هر فرد در امتیاز دهی، تشدید محدودیت‌های غیرمنصفانه بدون توجه به ناپایداری‌های ذاتی انسان با عنوان اعتمادناپذیر بودن فرد و ... نیز از جهات بی‌عدالتی در سیستم اعتبارسنجی است.

بر این اساس استفاده از سیستم اعتبارسنجی می‌بایست بر پایه مبنای و اصول نظام ولایت و در راستای تحقق اهداف الهی و سعادت جاودانه جامعه اسلامی بکار گرفته شود. لوازمات و آثار این ابزار کنترلی می‌تواند در تضاد با آرمان‌های انبیاء و هدف آفرینش انسان بوده و غفلت از آن منجر به انحطاط و استحاله اخلاق، فرهنگ و تمدن اسلامی شود.

۵ نتیجه‌گیری

حکومت اسلامی فارغ از نگاه دنیامحور به حکومت، همراهی و پیروی مردم را در قالب رابطه امام و امت، برای تحقق آرمان‌های الهی از جمله اعتلای کلمه حق و رشد همه‌جانبه امت می‌داند نه تامین خواسته‌های قدرت‌محور حکام. بر مبنای نگاه امیرالمؤمنین علیه‌السلام به حکومت در این نامه، می‌توان مدل اسلامی جایگزین اعتبارسنجی اجتماعی را ارائه داد که همه مزایای سیستم اعتبارسنجی را در سطحی بالاتر دارا و از معایب آن مبرا باشد. در نظام ولایت، حق حاکمیت مخصوص خداست و هیچ‌کس بدون اذن الله اجازه

حاکمیت ندارد. در چنین نگرشی ولی جامعه ولایت را امانتی الهی می‌داند که از طرف خدا به او واگذار شده است. در این نوع حکومت، مسئولیت و زمامداری سلطه‌جویانه نبوده بلکه تکلیف‌گرایانه است و حاکم در انجام مسئولیتش آزادی مطلق و کامل ندارد (محمدی صیفار، ۱۳۸۹: ۶۶-۶۹).

از نگاه حضرت علی علیه‌السلام، حکومت علاوه بر مدیریت امور اقتصادی و اجتماعی و تامین امنیت و رفاه مردم، نقش ویژه‌ای در شکل‌گیری رفتار و اخلاق جامعه و سرشت و سرنوشت معنوی مردم دارد، چنانکه حضرت علی علیه‌السلام می‌فرمایند:

«الناس بامرائهم ائبه منهم بابائهم؛ مردم به زمامدارانشان بیش از پدرانشان شباهت دارند.» (مجلسی، ج ۷۵، ص ۴۶)

در واقع اختلاف سیستم اعتبارسنجی اسلامی با سیستم اعتبارسنجی کمونیستی بر مبنای اختلاف دو اندیشه سیاسی است. در اندیشه کمونیستی، در رابطه‌ای یکسویه، طبقه مالک برای حفظ قدرت و تسلط بر جامعه، فارغ از حق و باطل و توجه به ارزش‌های انسانی، از هر وسیله و راه ممکن استفاده می‌کند. اما بر مبنای سیستم ولایت که بر محور الهی و ارزش‌های انسانی شکل گرفته، رابطه‌ای دوسویه میان ولایت و امت برقرار است و ولی امر مجاز نیست برای رسیدن به قدرت و کنترل جامعه، از هر وسیله‌ای استفاده نماید.

بر این اساس، سیستم اعتبار اجتماعی، نه تنها در نظارت بر عملکرد مردم می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد بلکه باید در مورد مسئولان حکومتی که مسئولیت جان و مال و آبروی مردم را به عهده دارند، با رعایت اصول بیان شده در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه، اجرایی شود تا از این طریق با فرصت ایجاد شده توسط سیستم مذکور در انتخاب آگاهانه‌تر مسئولان توسط سیستم حاکمیتی، نظارت دقیق بر عملکرد مسئولان و جلوگیری از تخلفات آن‌ها و شفاف شدن امور مالیاتی و مسائل مالی مردم، به تحقق عدالت اجتماعی کمک کرد.

مراجع

- [۱] قرآن کریم.
- [۲] الکافی. بحارالانوار، جلد ۱۲۹.
- [۳] سید رضی. نهج‌البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، نشر پارسایان، چاپ اول، ۱۳۸۴.
- [۴] بشیری، مجید. عسگری، علیرضا و احمدی، سیدمهدی. جایگاه اعتبارسنجی مدنی در عدالت اجتماعی، ماهنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال پنجم، شماره ۱۱، بهمن ۱۴۰۱، ص ۴۷۳۹-۴۷۲۴.
- [۵] بشیریه، حسین. تاریخ اندیشه‌های قرن بیستم؛ لیبرالیسم و محافظه‌کاری، تهران، نشر نی، ۱۳۹۰.
- [۶] بهشتی، احمد. اندیشه سیاسی- تربیتی علوی در نامه‌های نهج‌البلاغه، قم، موسسه بوستان کتاب، چاپ اول، جلد ششم، ۱۳۹۰.
- [۷] معمار، ثریا. تحلیل جامعه‌شناختی مفهوم عدالت از دیدگاه حضرت علی (ع)، فصلنامه علمی-پژوهشی شیعه‌شناسی، سال دوازدهم، شماره ۴۷، ص ۴۷ تا ۷۸، ۱۳۹۳.
- [۸] جعفری تبریزی، محمدتقی. حکمت اصول سیاسی، اسلام، تهران: بنیاد نهج‌البلاغه، ۱۳۷۳.
- [۹] جرج جرداق. صدای عدالت انسانی، هادی خسروشاهی، تهران: نشر خرم، ۱۳۷۶.
- [۱۰] خوانساری، جمال الدین. شرح غررالحکم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۰.

- [۱۱] قنبری همدانی، حشمت‌الله. آیین زمامداری و مدیریت، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی: شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۹۹.
- [۱۲] ساندل، مایکل. لیبرالیسم و منتقدان آن، ترجمه احمد تدین، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.
- [۱۳] سیدمن، استیون. کشاکش آراء در جامعه‌شناسی، ترجمه هادی جلیلی، نشر نی، ۱۳۸۶.
- [۱۴] فیرحی، داود. نظام سیاسی و دولت اسلام، تهران: سمت، ۱۳۸۸.
- [۱۵] مجلسی، محمدباقر. بحارالانوار، بیروت: دارالکتب. ۱۴۱۴ق.
- [۱۶] محمدی صیفار، مهدی. اندیشه و روش اصلاح جامعه از دیدگاه امام علی (ع)، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول، بهار ۱۳۸۹.
- [۱۷] مکارم شیرازی و همکاران. پیام امام امیرالمومنین، قم: انتشارات امام علی ابن ابی طالب (ع)، چاپ دوم، جلد دهم، ۱۳۸۹.
- [۱۸] مصباح، مجتبی، نقش نیت در ارزش اخلاقی، فصلنامه تخصصی اخلاق حیاتی، سال اول، شماره دوم، زمستان ۱۳۹۱.
- [۱۹] KHAMENEI.IR، ۱۳۹۶/۰۶/۳۰، بیانات رهبری در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری.